

آتا، بابا سوزلری «ک» حرفی و فارسی ترجمه سی

کور آلاهدهان نه ایستر ، ایکی گوز بیری ابری بیری دور.

ک حرفی

کار انشیدمز، یاراشدئرار- کور گورمه ز ، قوراشدئرار .

« ناشنوا نمی شنود و جفت و جر می کند ، نابینا نمی بیند و سرهم می کند».

کاسیب مرد اولار.

« کاسب جوانمرد میشود»

کدخدانی گور، کندی چاپ .

«اگر در جایی خواستی به هدف و مقصود خود دست یابی دل صاحب ورئیس آنجا را بدست آور و سپس هر کاری خواستی بکن».

کفنین جیبی یوخدور.

«کفن جیب ندارد».

کور آلاهدهان نه ایستر ، ایکی گوز بیری ابری بیری دور.

«کور از خدا چی میخواد دوتا چشم یکی کج یک سالم».

کور توندوغون بوراخماز.

«کور چیزی رو که بگیره ول نمی کنه».

کور قوشون روزوسون الله وئره ر.

«روزی پرنده ی کور را خدا میدهد».

کوزه چی سنئق قایدان سواچر.

«کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد».

کنچی جان هایبندا، قصاب پیی آخارئر.

«بز از جانش می ترسد، قصاب دنبال دنبه می گردد».

کنچی نین اجلی گلنده باشین چوبانین چوماغینا سورئر.

«وقتی عمر بز به سر آمد، خودش را به چماق چوپان می مالد».

کیچیکدن خطا، بویوکدن عطا.

«کوچکتر خطا می کند و بزرگتر بواسطه بزرگی می بخشد».

کیم اوز قاتیقینا تورش دئیر؟

«هیچکس به ماست خودش ترش نمی گه».

